

ساختار سیاسی و حکمرانی متکی بر این ساختار مانع بزرگ تقویت جامعه مدنی است

محمد داوری در کلاب هاوس حامیان جامعه مدنی (حجم)

ضرورت دارد فعالان جامعه مدنی تشکل های معلمی را بشناسند

حجم: در اتاقی که با شرکت فعالان حوزه مدنی تشکیل شده بود محمد داوری پس از تشکر از مدیران اتاق و هیات مدیره حجم و ادای احترام به اساتید حاضر بویژه استاد عمال‌الدین باقی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد و گفت: من از اعضای شورای مرکزی سازمان معلمان هستم. معمولا دوستان و حتی فعالان جامعه مدنی، تشکلهای معلمی را خوب نمی‌شناسند و تفکیکی هم بین آنها قائل نمی‌شوند. به همین دلیل اجازه می‌خواهم توضیحی بدهم چون این روزها بحث اعتراضهای معلمی و بحث جنبش معلمان مطرح است ضرورت دارد دوستان بدانند که یک کانون صنفی معلمان داریم که حاکمیت آن را به رسمیت نمی‌شناسد متأسفانه علی‌رغم این که در ابتدای دهه هشتاد و اواخر دهه هفتاد، مجوز داشتند گویا بعد در تمدید مجوزهای خود با مشکل مواجه شدند. در کنار کانون صنفی شورای هماهنگی کانونهای صنفی را داریم که این تجمع‌ها را مدیریت می‌کنند. سه تشکل معلمی دیگر هم داریم یکی انجمن اسلامی معلمان است که پیشینه آن به قبل از انقلاب برمی‌گردد. سازمان معلمان ایران که از سال 79 تاسیس شده است والان هم از وزارت کشور مجوز دارد و به عنوان یک حزب است، جزو 31 حزب جبهه اصلاحات می‌باشد. تشکل دیگر مجمع فرهنگیان ایران اسلامی است که این تشکل هم در اوایل دهه 80 تاسیس شده است و این تشکل هم مثل انجمن و سازمان یک حزب مجوزدار از وزارت کشور است. سازمان معلمان، مجمع فرهنگیان ایران اسلامی و انجمن اسلامی معلمان، سه تشکل صنفی و سیاسی معلمی هستند که عضو جبهه اصلاحات هم هستند.

جامعه مدنی و کلامدنییت در تقابل با بدویت است

محمد داوری در بخش دیگری از سخنان خود در اتاق حجم پیرامون موضوع اتاق با اشاره به تجربیات خود گفت: براساس تجربه خودم و دریافت شخصی خودم، تلقی من از جامعه مدنی و کلامدنییت این است که در تقابل با بدویت است. فهمی که براساس مطالعات پراکنده‌ای که داشتم

و به ویژه استفاده از نظرهای پژوهشگران اساتیدی مانند آقای مدنی و آقای پدرام و بقیه دوستانی که در حوزه جامعه شناسی جنبشهای اجتماعی و مدنی فعالیت میکنند بدست آورده ام این فهم را به من می دهد.

ضرورت تقویت رفتارهای مدنی و شکل گیری تشکلهای مدنی

وی افزود: لذا با این تلقی بنده علاقه مند هستم به تقویت جامعه مدنی و بر این باور هستم که با تقویت رفتارهای مدنی و با شکل گیری تشکلهای مدنی است که جامعه مدنی قوی میشود به تصور من در طول تاریخ، آنچه باعث استمرار استبداد یا حکمرانی غیر توسعه گرا شده است، همین ضعف جامعه مدنی بوده است و عدم تقویت جامعه مدنی.

ساختار سیاسی و حکمرانی متکی بر این ساختار مانع بزرگ تقویت جامعه مدنی است

داوری با اشاره به موضوع اتاق در ادامه سخنان خود به موانع تقویت جامعه مدنی اشاره کرد و گفت: در مورد موانع و فرصتها و راهکارها اگر متعهد به عنوان اتاق باشیم باید تاکید کنم که واقعا تردیدی نیست که موانع تقویت جامعه مدنی چند بعدی است لذا جامعه مدنی با موانع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است که از همه قوی تر یا محسوس تر، ساختار سیاسی و حکمرانی متکی بر این ساختار است که مانع بزرگ تقویت جامعه مدنی میشود. از طرفی موانع فرهنگی از قبیل فرهنگهای قومی، سنتی و حتی ملی گرایی غیر مدنی هم مانع بزرگی است در مسیر تقویت جامعه مدنی. در زمینه اجتماعی هم توده گرایی و غلبه رفتارهای هیئتی و آیینهای ضد مدنی هم مانع بزرگی است. از نظر اقتصادی هم که فقر و تبعیض و فساد و نابرابری، بی تردید مانع ریشه دار و تاثیرگذار است یعنی هر چقدر جامعه ای از نظر اقتصادی ضعیف تر باشد، تقویت مدنیت در آن جامعه با مشکل مواجه خواهد شد.

عطش مدنیت و اخلاق گرایی و قانون گرایی و مطالبه ویژگیهای مدنی یک فرصت است برای تقویت جامعه مدنی

سخنگوی سازمان معلمان در بخش دیگری از سخنان خود به فرصت ها پیش روی جامعه مدنی اشاره کرد و گفت: فرصتهایی هم داریم که بی تردید در این راستا شبکه های اجتماعی و مجازی، فرصت بزرگی برای تقویت جامعه مدنی هستند. نسل جدید، خودشان یک فرصت هستند. ویژگیهای نسل جدید به ما این امکان را میدهد که جامعه مدنی را در بستر نسل

جدید تقویت کنیم اما متأسفانه خیلی غافل هستیم. همینطور تبادلهای و ارتباطهای جهانی هم این فرصت را مقابل ما قرار داده است. علاوه بر این موارد خلأی که وجود دارد و عطش مدنیت و اخلاق گرایی و قانون گرایی و عطش جامعه بر مطالبه ویژگیهای مدنی هم یک فرصت است.

از یک جامعه بدوی، ساختاری سیاسی غیر مدنی و حکمرانی غیر مدنی، بروز و ظهور پیدا میکند

این فعال مدنی در بخش دیگر به ارایه راهکارها پرداخت و گفت: در مورد راهکارها به نظرم میرسد باید از نظر تئوریک تولید محتوا داشته باشیم تا به فهم مدنیت به عنوان یک ضرورت زیست در دنیای جدید برسیم چراکه بی تردید از یک جامعه بدوی، ساختاری سیاسی غیر مدنی و حکمرانی غیر مدنی، بروز و ظهور پیدا میکند. علاوه بر تولید محتوا همانطور که برخی از اساتید و بزرگواران گفتند به ویژه استاد باقی اشاره کردند، باید کنش مدنی داشته باشیم. تا این کنشهای مدنی خود به خود جامعه را به سمت مدنیت سوق دهد.

وی افزود: در زندان کتابی خواندم در مورد هفتاد سال گفت وگو در سوئد، که آن کتاب، این مولفه را همچنان در ذهن من ماندگار کرده است که واقعا یک جامعه، خود به خود و به یک باره مدنی نمیشود. باید از لایههای زیرین شروع کرد و یکی از الزامات مدنیت هم گفت وگوست. گفتوگوهای دو و چند نفره. همین گفت وگو در فضای کلاب هاوس، خودش میتواند تقویت کننده جامعه مدنی باشد.

فرهنگسازی میتواند یکی دیگر از راهکارها باشد. باید به گونه ای باشد که وقتی از یک ایرانی پرسیده میشود که شما عضو چند NGO و چند نهاد هستید، اگر عضو نیست، سرش را پایین بیاندازد. نه این که با افتخار بگوید من با افتخار عضو هیچ جایی نیستم. یعنی فکر میکند عضو بودن، ضعف است. ضعف فرهنگی است که چنین تلقی شود. در حالی که در کشورهای توسعه یافته و مدنی، طرف حداقل عضو چند NGO و چند نهاد مدنی در حوزه های مختلف است.

مدنیت باید از مدرسه آغاز ودر خانواده و جامعه تمرین و در دانشگاه تثبیت شود

این فعال رسانه ای هم چنین در ادامه این بحث گفت: بی تردید برای شکل گیری جامعه مدنی قوی باید افراد مدنی داشته باشیم که همین فرهنگ سازی میتواند این فردیت مدنی را شکل دهد و افراد تشویق

شوند به سمت تشکلهای و نهادهای. این تشکلهای جامعه مدنی را به وجود بیاورند. با تمرکز بر نسل جوان و نوجوان، یعنی این که مدنیت را ریشه‌ای‌تر می‌بینیم. در این راستا ما معلمان می‌توانیم نقش موثرتری داشته باشیم. مدنیت باید از مدرسه آغاز شود. مدنیت باید در خانواده و جامعه تمرین شود. مدنیت باید در دانشگاه تثبیت شود. در نتیجه سه نهاد مدرسه، خانواده و دانشگاه، بی‌تردید می‌توانند در تقویت جامعه مدنی موثر باشند.

محمد داوری در بخش پایانی سخنان خود گفت: راهکار بعدی، تعامل‌های خود نهادهای مدنی با هم است. یعنی فعالیت‌های جزیره‌ای اگر به صورت پیوسته شکل گیرد که حجم می‌تواند یکی از مأموریت‌هایش پیوند دادن این نهادها باشد، بی‌تردید جامعه مدنی تقویت خواهد شد. جامعه مدنی، مدنیت را تقویت می‌کند در مقابل بدویتی که شاید شکل و ظاهر مدرن داشته باشد ولی همچنان بدوی است. چرا که فهمش از قانون و پایبندی آن به دموکراسی و توجه آن به حقوق و تکالیف و وظایف شهروندی و همچنین به رسمیت شناختن تکرر و نیز تحمل و مدارا و اهمیت دادن به فردیت وقتی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، هر چند ظاهر جامعه و حاکمیت مدنی باشد، ولی در اصل می‌توان گفت همچنان این ساختارها بدوی است.